

. محمد حیدر اختر

12-07-2012

سابق مامور رادیو تلویزیون افغانستان

پیرامون اعطای جوایز مطبوعاتی به هنرمندان در افغانستان

پس از مدت ها وزارت اطلاعات و فرهنگ ؛ و رادیو تلویزیون دولتی افغانستان ؛ موفق به این شدند که برای بعضی از هنرمندان بخش موسیقی جوایز و لقب استادی بدهند . گرچه جریان مکمل آن که در تالار بزرگ رادیو تلویزیون دولتی افغانستان دایر شده بود، تا هنوز انتشار نیافته و یا اگر منشتر شده باشد شاید من ندیده باشم ؛ ولی در برنامه (سلام صبح بخیر) که از طریق تلویزیون دولتی انتشار یافت، بخش هایی از آن منتشر شد که هم خوشایند بود و هم تآثر آور .

خوش آیند به خاطری بود که برای بعضی از هنرمندان محترم که بیشتر از نیم قرن در بخش موسیقی خدمت نموده اند و در ایام پیری از ایشان یادی صورت گرفت و از فعالیت های هنری شان تقدیر به عمل آمد . برای بعضی از آنها لقب استادی داده شد. مانند مومن جان بیلتون ؛ سلام لوگری ؛ شیر غزنوی ؛ عبدالحمید کندهار ، ولی طبله نواز ؛ حنیف ارمونیه نواز « پسران مرحوم استاد نبی گل » که واقعا حق مسلم شان است ، زیرا هر کدام این هنرمندان سال های سال در خدمت مردم شان قرار داشته و دارند.

اما باید با تآثر و تاسف زیاد یاد آور شد که در بین این هنر مندان واقعی مردم افغانستان برای یکی از به اصطلاح هنرمند که نه سابقه طولانی در رشته موسیقی داشته و نه پشتیوانه مردمی دارد و از همه مهمتر که گذشته بسیار ننگین علیه مردم افغانستان دارد نیز جایزه دادند. این شخص احمد مرید نام دارد که یکی از اقارب نزدیک ببرک کارمل « شاه شجاع روسی » و یکی از اعضای پرچم و از فعالین دستگاه جهنمی خاد در افغانستان بود.

بی جا نخواهد بود که در این قسمت یکی از خاطراتم را از زمانی بیاورم که در رادیو تلویزیون افغانستان ایفای وظیفه می کردم ، تا نمایانگر چهره واقعی احمد مرید باشد و پاکیزه گی و ستره گی جایزه برای هنرمند باشد:

همه مردم شریف افغانستان به خوبی میدانند که رژیم دست نشانده شوروی سابق از بدو به قدرت رسیدن تا انحلال و غروبش همیشه در ترس و هراس قرار داشت . با کوچکترین واقعه در شهر کابل ؛ در اکثر موسسات دولتی کمر بند های امنیتی توسط مزدوران شوروی و به خصوص خادیسست ها گرفته میشد . در یکی از روز ها که خوب به یاد ندارم چه واقعه در شهر کابل رخ داده بود، خلقیها و پرچمیها و خادیسست های رادیو تلویزیون افغانستان همه از طرف سازمان اولیه رادیو تلویزیون که منشی آن شخصی به نام یوسف دارو (شوهر ماریا دارو) بود با کلشنکوف مسلح شده و هر کدام در عقب دیوار های رادیو تلویزیون ؛ دهلیز ها ؛ استدیوهای رادیو و تلویزیون موضع گرفتند . احمد مرید که عضو مدیریت عمومی موسیقی رادیو افغانستان بود در دهلیز اداره ما با کلشنکوف گزمه می کرد . یکی از همکاران اداره ما که شکایلا جان نام داشت که فعلا در

کانادا زندگی میکند ؛ دهن دروازه دفتر ما احمد مرید را دید که با کلشنکوف گزمه می کند از وی پرسید: خیریت است مرید جان؟ احمد مرید از خیرات سر سلاح که درشانه داشت مغرورانه جواب داد که من جهت نگه بانی شما هستم تا دشمنان انقلاب و اشرار به شما صدمه نرسانند .شکیلا جان با یک خنده بسیار بلندومعنی دار برایش گفت : مرید جان تو خودت را نگه کرده نمی توانی چه رسد به ما.

حالا که از برکت قوای خارجی و همان امریکایی که کارمل خاین و دست پروردگانش برایش فحش میدادند، در آن وطن ، وطنی که فروختند ،پناهگاه خوب پیدا کرده اند، هر چه انجام بدهند از چشم مردم افغانستان پت وپنهان نمیماند. نه گذشته ننگین و نه تلاش های خرابکرانه، حزب سازی و عیاشی ها وخیانت های که امثال رنجبر انجام داده است.

اما فهمیده نشد که مقام وزارت اطلاعات و فرهنگ و ریاست عمومی رادیو تلویزیون افغانستان ویا هم هئیت ژوری ؛ روی کدام اساس برای احمد مرید جایزه بی را در نظر گرفتند. اگر از نگاه قدامت و فعالیت های هنری ارزیابی شده باشد فکر می کنم هستند خواننده گان دیگری که بیشتر از احمد مرید قدامت فعالیت داشته ؛ دارای آوازگرم و گیرا هستند و مردم افغانستان وعلاقمندان موسیقی به شخصیت و هنر شان ارج می گذارند که می توان به جرئت از احمد ولی جان ؛ داکتر صادق فطرت ناشناس ، نعیم جان پوپل ؛ رحیم جهانی ؛ جواد جان غازی یار؛ حیدر سلیم ؛نجیم وغیره نام برد .واگر از روی شناخت شخصی ویا روابط سازمانی با نفوذی های پرچمی، چنین تصمیمی گرفته شده باشد واقعا درحق هنرمندان زیادی جفا صورت گرفته است. این جایزه دادن به چنین شخص، عملی است نابخشودنی .

گرچه به خوبی میدانیم که شخص وزیر اطلاعات و فرهنگ هیچ گونه روابط حربی با آنها نداشت ودر دوره مهاجرت در پهلوی مجاهدین و جهاد افغانستان فعالیت داشت و همچنان رئیس عمومی رادیو تلویزیون افغانستان عضویت باند خلق و پرچم را ندارد؛ اما تاجاییکه اطلاع داریم متاسفانه بیشتر از سیزده چوکی ریاست های مربوط وزارت اطلاعات و فرهنگ به شمول چوکی مشاور ارشد آن وزارت به وطن فروشان پرچمی داده شده است . فکر نمی گردد که در افغانستان قحط الرجالی باشد و غیر از وطن فروشان خلقی و پرچمی شخصیت فرهنگی دیگر وجود نداشته باشد که امور محوله را در وزارت اطلاعات و فرهنگ پیش ببرند.